

راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و عمل آیت الله خامنه‌ای

غلامحسین فرجی^۱

محمد رضا حاتمی^۲

مرتضی محمودی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

چکیده

ساختار سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران در دوران تأسیس و استقرار متأثر از سیاست عدم وابستگی و اتکای به خود و تحت زعامت امامین خود، همواره بر راهبردهای آفندی و پدافندی، تأکید نموده است. در این راستا بذل توجه به راهبردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و خلق الگوهای جدید با توجه به راهبرد تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، نصب العین نظام سیاسی و مقام معظم رهبری بوده است. مقام معظم رهبری از ابتدای دورات تصدی به عنوان رهبر انقلاب با ایجاد گفتمان سازی و شناور سازی راهبردهای معطوف به هدف، دال‌های مرکزی را برای بسط و توسعه راهبردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ایجاد نموده که با غیریت سازی نظام سلطه نسبت به این راهبردها از ابتدای دهه ۹۰، صیغه مقاومت در این راهبردها، پررنگ گشته است.

فرضیه مقاله بدین صورت بیان می‌گردد که راهبردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آیت الله خامنه‌ای در اندیشه و عمل مبتنی بر گفتمان مقاومت ملی و منطقه‌ای و فعال در همه زمینه‌ها برای مقابله با نظام سلطه و هژمونی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این واحد جغرافیایی در مرزهای جغرافیایی جهان اسلام و مشخصاً جمهوری اسلامی ایران، می‌باشد.

این مقاله با روشی تحلیلی توصیفی و متأثر از نظریات مقام معظم رهبری که به عنوان الگوی غالب خطی مشی‌گذاری در سیاست‌های کشور نمود دارد و واکاوی نظریات پسا توسعه گرایانه با نفی روش‌شناسی مکاتب مدرن ولی با همان معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی، در پی آنست که خلق راهبردهای مقام معظم رهبری، یک رویکرد گفتمانی پسا توسعه گرایانه با رویکردی دینی - ملی است که نافی تمامی نظریه‌های خطی و کلاسیک توسعه است که جهان سوم و کشورهای جنوب را به نفع کشورهای شمال و الگوهای توسعه‌ای آنها به حاشیه می‌برد.

واژه‌های کلیدی: اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نظریات پسا توسعه گرا، مقاومت، نظام سلطه، حکومت اسلامی، مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.

۱. دانشجوی دکتری گروه اندیشه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Gh.faraji1338@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Hatami5@yahoo.com

۳. استادیار گروه مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی، تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Drmr.mahmoudi@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



خلق گفتمانهای آرمان خواهانه و واقع گرایانه با بن مایه‌های اخلاقی، فرهنگی و اسلامی در قرآن کریم، کلام و اندیشه ائمه اطهار و احادیث و روایات مصلحان دینی، همیشه جایگاه بارع و برجسته‌ای در قاموس مکتبی جهان اسلام داشته است. گرچه گفتمانها، وابسته به عناصر، وقته ها، نشانه‌ها، دال‌ها و شناور سازی آنها هستند ولی مفصل بندی این عوامل، یکی از حفره‌های تاریک گفتمان سازی در جغرافیای جهان اسلام بوده است.

از سوئی، گرچه غرب و اندیشمندان غربی، مبدع نظریات علمی گفتمان و موجد روش شناسی در این حوزه اندیشه‌ای بوده‌اند، ولی علیرغم سازه اندیشه گفتمانی، جایی برای اندیشه‌های غیر، قائل نبوده و گفتمان مسلط در جهان اندیشه را متأثر از مکاتب سکولار دانسته که جایگاهی برای افکار غیر ماتریالیستی قائل نبوده‌اند. در این راستا انقلاب اسلامی ایران با سازه شکنی از قرائت مسلط اندیشه‌ای و تقلیل هژمونی غرب در حوزه‌های گفتمانی از ابتدای انقلاب اسلامی، داعیه دار مکتب جهانی برای انسان بوده که این نگاه، منجر به خیز گفتمانی و هژمونی شکن انسان خاورمیانه‌ای گشته که مولود این وضعیت مقاومتی است که در سطوح جنبش‌های خاورمیانه‌ای می‌توان، تبلور آن را یافت.

راهبرد مقاومت در این راستا به همراه عناصر اصلی آن یعنی سه متغیر فرهنگی، سیاسیو اقتصادی در اندیشه و عمل آیت الله خامنه‌ای به عنوان یک گفتمان از ابتدای دهه ۸۰ شروع به نضج و شناور سازی و در دهه نود شمسی به صورتی قوام یافته و نهادینه شده به سطوح اجرایی تعمیم یافت. شناور سازی گفتمانی مانند اقتصاد مقاومتی که بدیل‌های آن مانند اقتصاد ریاضتی، سیاست انبساطی و انقباضی در اقتصاد که خروجی ناکارآمدی در سطوح جامعه در بازه‌های زمانی متفاوت داشتند در دستور کار سیاستی و نهادهای متولی قرار گرفت و دستگاه‌های اجرایی با تعمیق و ایجاد نهادهای متولی مربوط به دستگاه‌های خود، خالق طرح‌های ابتکاری برای دوران تحریم و رکود اقتصادی گشتند.

در ضرورت این تحقیق باید عنوان نمود گرچه مقالات و کتب زیادی در خصوص راهبردهای مقاومت با تاکید بر اندیشه رهبر انقلاب نگاشته شده ولی در مقاسه با گفتمانهای لیبرال که مدعی سیاستهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و الگوهای توسعه برای جامعه جهانی هستند، بسیار ناچیز بوده و نیاز به گسترده‌گی مفهومی و عملیاتی بیشتر می‌باشند. اهمیت این





تحقیق علاوه بر تفاوت معرفت شناسی و هستی شناسی مدل توسعه پسا توسعه غرب گرا با مدل توسعه مقاومتو راهبردهای متأثر از آن، تفکیکی بین راهبردهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی صورت می گیرد، گرچه نتایج به سوئی سیر می نماید که این سه حوزه شدت درهم تنیده و هر راهبرد می تواند به عنوان متغیر وابسته و یا مستقل، راهبرد دیگر را پوشش دهد. در بعد عملیاتی نیز باید عنوان نمود نهادسازی و تشکیل ساختارهای قانونی و مکمل در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سطوح مختلف دستگاههای اجرایی در سالیان گذشته توانسته نگاهی خوداتکاء را بوجود آورد که مقوم راهبردهای رهبر انقلاب هستند. نهادهای مذکور، موظف و مکلف به گزارش سالیانه فعالیت خود در زمینه راهبردهای مقاومت و معطوف به دستگاه خود هستند.

این تحقیق گفتمان مقاومت را در ذیل یک گفتمان پسا توسعه با نگاهی بومی، ملی و اسلامی می داند که گرچه در بعضی از مؤلفه ها با گفتمان پسا توسعه گرایانه، هم آوایی دارد ولی با استعانت از قرائت تئولوژیک و پرهیز از روایت ماتریالیستیک از گفتمان پساتوسعه گرای غربی فاصله می گیرد.

به طور مثال از نظر رهیافت پسا توسعه گرا، «گفتمان توسعه موجب مشروعیت بخشی و تقویت سلطه غرب بر جهان سوم، به عنوان کشورهایی می گردد که محتاج به نوع غربی توسعه هستند. جهان سوم نه تنها تابعی از قدرت اقتصادی غرب بلکه تابعی از قدرت تعریفی آن نیز قرار می گیرد». این گفتمان را می توان تشابه اصلی میان دو گفتمان و قرائت مختلف نامید که می تواند در تقویت نگاه انتقادی به نظام سلطه، کارآئی لازمی را در تقویت جریان مقاومت و نحله های آن به عنوان یک ابر گفتمان اسلامی که توسط مقام معظم رهبری، مفصل بندی گردیده، مفید واقع گردد.

۲- پیشینه تحقیق:

مقالات و کتب زیادی در زمینه تحقیق مورد نظر نگاشته شده که اهم آن به شرح ذیل می باشد: جرفی، موسوی امجد (۱۳۹۹) در مقاله ای تحت عنوان «جایگاه اقتصاد مقاومتی در حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای» بیان می کند که اقتصاد یکی ر مهمترین مولفه های اثرگذار بر حوزه سیاست می باشد و از جمله چگونگی شکل گیری

حکمرانی مطلوب است. ایت الله خامنه ای از جمله اندیشمندانی می باشد که اندیشه هایش در حوزه عمل می باشد و امروزه اندیشه های ایشان به عنوان مهمترین نظریات اقتصادی در جهان اسلام مطرح می باشند. هدف این پژوهش بررسی جایگاه اقتصاد مقاومتی بر موضوع حکمرانی مطلوب اسلامی د رآرای رهبر انلاب اسلامی آیت الله خامنه ای می باشد. یافته های پژوهش بیان می کنند که اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن ابعاد معنوی و مادی انسان، تکیه بر درون زایی، نفی سلطه بیگانگان، جلوگیری از مصرف گرایی، تکیه بر توان داخلی و بومی باعث تحقق آرمان های اسلامی از جمله عزت و کرامت انسانی می شوند و هم زمینه ای برای تحقق حکمرانی مطلوب تلقی می شود و هم اینکه الگویی برای اصلاح حوزه سیاست در نظر گرفته شود.

رضا پور و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای تحت عنوان «معیارهای تقویت کننده دیپلماسی د راندیشه امام خامنه ای (مدظله تعالی)»، بیان می کند که انقلاب اسلامی موجب یک تحول فرهنگی - اجتماعی در جامعه ایران بوده است که در ارتباط و تعامل با دولت ها و ملت های دیگر بر ابزارهای فرهنگی و گفتگو تاکید دارد. ایت الله خامنه ای ارزش بالایی برای آموزه های اسلام قائل است و نقش و جایگاه ویژه ای را برای عناصر فرهنگی د رعرصه های اجتماعی و سیای قائل است. و با تاکید بر ارزش های فطری و الهی که در همه انسان ها مشترک است در صدد بیدرای و آگاهی مردم و ایجاد وحدت در بین مسلمانان بر اساس ارزش های جهان شمول فرهنگی بوده است.

مهدوی پور، آسیه (۱۳۹۹)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه ای (مدظله)»، بیان می کند که مقاومت راهبردی چند جنبه دارد و به بررسی چستی راهبرد مقاومت، ابعاد، زمینه ها، قدرت طلبی نظام سلطه می پردازد همچنین بیانات مقام م عظم رهبری در مورد اندیشه مقاومتی را مطرح می کند .

-اسفندیاری و دهقان (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان «بیان می کند که مؤلفه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، این پژوهش با تحلیل محتوای سخنان مقام رهبری، مؤلفه های اقتصادی را در زمینه اقتصاد مردمی، مبارزه با رکود اقتصادی مصرف زدگی، تنقیح قوانین و ایجاد حمایت برای نخبگان اقتصادی را به تصویر می کشد.

-رهبر و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان «رهیافتی بر هستی شناسی استقلال



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بای جهان اسلام

۲۸۸

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

۲۸۹

راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و ...

مقاومتی»، بیان می‌کند که اجازه رشد در شرایط تحریم و استفاده از رویکرد اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌کند.

حسین زاده بحرینی (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی، راهکاری برای توسعه»، بیان می‌کند که اقتصاد را نه هدف بلکه وسیله می‌داند. ایشان استفاده از ریل گذاری مناسب را برای اقتصاد مقاومتی، حیاتی می‌داند که عدول از آن تبعات وخیمی دارد.

هزاوه ای و زیرکی حیدری (۱۳۹۳)، در مقاله ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی، نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، تاکید دارند که اقتصاد مقاومتی با شاخص‌های آن، رویکردی برای ارتقا اقتصاد سیاسی ایران است.

- دوستدار و ذوقی (۱۳۹۸)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی مفهوم نفوذ در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، بیان می‌کند که تبار شناسی انواع جریانهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در فرآیند نفوذ و کیفیات این جریان سازی می‌باشد.

برینگلو (۲۰۰۹)، در مقاله ای تحت عنوان «آسیب پذیری و انعطاف پذیری اقتصادی: مفاهیم و اندازه گیری»، بیان می‌کند که این اندیشمند علاوه بر مفهوم سازی تاب آوری اقتصادی دو مفهوم کلی را برای کارکرد این موضع استخراج می‌نماید: ۱- توانائی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب کننده خارجی ۲- توانائی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها می‌باشد.

نوآوری این مقاله در این است که راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و عمل آیت الله خامنه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد که در مقاله های دیگر مد نظر قرار ندارد.

۳- چارچوب نظری (تئوری وابستگی)

تئوری‌های وابستگی، نوسازی، واقع گرایانه و ... حوزه هائی از فلسفه اجتماعی هستند که بر فهم ریشه‌ای فقر و عدم توسعه یافتگی، تمرکز بر نقصان در کشورهای فقیر، فقدان نهادهای دموکراتیک، سرمایه یا تکنولوژیک و عدم تقلید از فرآیندهای توسعه غربی، تاکید دارند و مدل‌های غربی توسعه را رکن رکن توسعه یافتگی می‌دانند (Ibister, 2006,31).

فارغ از کنکاش در این نظریه‌ها باید عنوان نمود، تئوری‌های کلاسیک و مدرن توسعه،

نظریه‌های در حال گذار بوده که از ابتدای جنگ جهانی دوم شروع و هم اینک نیز با الگوها و نظریه‌های لیبرال و نئولیبرال در حال انجام است. با پایان نظام دو قطبی، رویکردهای گفتمانی پسا توسعه با تاکید بر نقد الگوهای توسعه غربی آغاز و بازتعریفی در ماهیت این الگوها از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی به مقوله توسعه صورت گرفت (summr& tribe,2004,8-11). در این راستا بعضی معتقدند از منظر معرفت‌شناسی باید نظریه‌های کلاسیک توسعه را کنار گذاشت (Escobar, 1991,675).

اما آنچه که حائز اهمیت است و با توجه به آبشخور اصلی نظریه‌های پسا توسعه گرا که از بستر پست مدرنیسم ارتزاق می‌نمایند، سلبی بودن این نظریه‌ها و فقدان جایگزین مناسب نظری و عملی برای رهیافتهای کلاسیک است (sally matewss, 2004). یکی از داده‌های اساس که رکنی بسیار مهم در گفتمان پسا توسعه است، توسعه مردمی است. توسعه مردمی بر تاکید بر استقلال در توانائی تصمیم‌گیری جوامع محلی، خودکفائی اقتصادی و دموکراسی مستقیم است. دولت در این رویکرد، برخی از سازمانهای غیر دولتی مردم محور و نهادهای غیر دولتی مردم محور را توانمند می‌سازد تا بتوانند توسعه را به سمت زمینه‌های مختلف محلی و منطقه‌ای ببرند (seyfang and smith,2007,585). دران میان رفع تبعیض‌ها و کاهش نابرابری‌ها از جمله اهداف توسعه مردم گرا و رویکرد پسا توسعه گرایان می‌باشد. در این رهیافت، جریان پسا توسعه گرا، توسعه مردمی را منوط به تمرکز زدائی و دادن اختیارات بیشتر به مردم محلی می‌داند (wills,2005,96).

بنابراین می‌تواند جریان پسا توسعه را جریانی استقرائی با نهادینه کردن حکمرانی چند وجهی و خلعید از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولتی و مردمی کردن اقتصاد، سیاست و فرهنگ دانست. فراموش نکنیم در تمامی شقوق مقاومت، رهبر معظم انقلاب با وارد نمودن نحله‌های از الگوهای پسا توسعه گرائی اسلامی، مردمی نمودن تصمیمات را در میدانهای اقتصادی و سیاسی، مورد تاکید قرار داده است، چرا که یکی از ارکان اساسی ولایت به عنوان داده اساسی در مکتب تشیع، ارتباط عمیق و وثیق آن با «توده» می‌باشد.

با این توصیف و متأثر از نگاه اسلامی قاعده نفی سبیل و شعار محوری انقلاب اسلامی یعنی (نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی ایران)، رهبران انقلاب همیشه با گفتمانهای انقلابی در صدد تعمیق گزاره‌های مقاومت در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده و


 فصلنامه علمی - پژوهشی
 پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

در عمل این گفتمانها منجر به نهاد سازی گردیده است. رهبر انقلاب در راستای سازه شکنی از گفتمانهای فرودست غربی که خاورمیانه را مورد استعمار و استعمار قرار داده با انتقاد از واژگان مجعولی مانند خاورمیانه، آسیای غربی را جایگزین آن نموده است، ایشان در این خصوص عنوان داشته‌اند «البته من اصرار دارم این منطقه را غرب آسیا بگویم».

تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاورمیانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا؟ نزدیک ه کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپا است، هر جایی که از اروپا دورتر است، اسمش خاور دور است. (FARSI.KHAMENEI.IR). در تنقیح و اهمیت جایگزینی گفتمان مورد نظر باید عنوان نمود در حالی که در غرب و به طور مشخص اروپا، تقسیم بندیهای جغرافیایی تنها محدود به جهات جغرافیایی بوده و انفکاک مناطق به صورتی مانند بالتیک، اسکایندوناوی، بالکان و ... غیره است علوم و گفتمانهای استعمار غربی با شناور سازی واژگانی مانند خاور دور، خاور نزدیک، میانه و ... و با هژمونی گفتمانی، غرب را مرکز توسعه جهانی دانسته‌اند (عبداله پور، ۱۳۹۵).

بنابراین ساختار شکنی از گفتمانهای غربی و خلق گفتمانهای دینی مرتبط با دانش اسلامی و بومی و اتخاذ راهبردهای مناسب در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همیشه نصب العین رهبر انقلاب بوده است. با این وصف کلام و اندیشه رهبری را می‌توان نفی گفتمانهای کلاسیک و مدرن غربی، نفی نگاه سلبی و ماتریالیستی اندیشه‌های پسا توسعه گرایانه و استقرار نگاهی ایجابی، سلطه زدا، عزت منشانه و تعمیق گفتمان راستین انقلابی با تاکید بر مؤلفه آفندی» پدافندیدر حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دانست. همانطور که اشاره گردید گفتمان پسا توسعه با نگاه سلبی و انتقادی خود به جریانات کلاسیک، هم راستا با گفتمانهای مقاومت می‌تواند باشد گرچه در مباحث معرفتی مجدداً به آغوش نظریات کلاسیک توسعه بر می‌گردد.

از نظر رهیافت پسا توسعه گرا، گفتمان توسعه موجب مشروعیت بخشی و تقویت سلطه غرب بر جهان سوم به عنوان کشورهایی می‌گردد که محتاج به نوع غربی توسعه هستند (Hobart, 1993, 181). جهان سوم نه تنها تابعی از قدرت اقتصادی غرب بلکه تابعی از قدرت تعریفی آن نیز قرار می‌گیرد. توسعه، سنجه و معیاری می‌شود که غرب به کمک آن غیر غرب را اندازه می‌گیرد (sardar, 1999, 44). به عنوان مثال عدم وجود فناوریهای غربی

به عنوان شاخصی برای در حال توسعه بودن تلقی می‌شود نه شاخصی برای تفاوت داشتن (Lbid,2000,176).

از این منظر گفتمان توسعه چیزی برای به نظم درآوردن تفاوت‌ها و تعیین آنچه قاعده و آنچه خلاف است، می‌باشد (munk,1999,68). الهام از چرخش گفتمانی در علوم اجتماعی و دانش‌های محلی و بومی پسا توسعه گرایی موجب جابجائی نقطه تاکید از روابط اقتصادی گردید که وجه مشخصه مکاتب نئولیبرال، اقتصاد سیاسی و مکتب تنظیمی و دیگر شاخه‌های مطالعات توسعه بود (مطهری، ۱۳۹۵، ۹۲). به این ترتیب، پسا توسعه گرایی سخت‌ترین انتقاداتی را که تا کنون بر توسعه وارد شده بود را بر آن وارد ساخت (Brigg,2002421).

در واقع نظریه پسا توسعه گرایی، واکنش رادیکال به بن بست های توسعه است (piter-erse,2000,175). نخستین مفهوم سازی ها در این نظریه توسط اندیشمندانی مانند اسکوبار، زاکس انجام شده است (siemiatycki,2005,58). این نویسندگان می گویند توسعه را باید کنار گذاشت نه به دلیل آثار و تبعاتش بلکه به دلیل مقاصد، جهان بینی و نوع نظام فکری که بر آن حاکم است (pitererse,2000,17). با عنایت به مقایسه مکاتب توسعه و پسا توسعه و بذل توجه به گفتمان پسا توسعه گرایانه در جدول مهمترین نقاط افتراق و تشابهات دو گفتمان مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری با گفتمان پسا توسعه گرا، ترسیم می‌گردد.

۴- تشابه و نقاط افتراق گفتمان مقاومت با گفتمان پسا توسعه:

- شباهت های گفتمان مقاومت و پسا توسعه:
- نقد پوزیتیویسم، دترمینیسم، ساختار گرایی و روابط تک خطی توسعه
- نقد نظریات مدرن تویعه مبتنی بر عقلانیت ابزاری و تکنولوژیکی
- به چالش کشاندن ساختارهای قدرت نابرابر اقتصادی و سیاسی
- تاکید هر دو گفتمان بر نقش دانش بومی و اخلاق در تمامی عرصه‌ها

- تفاوت‌ها گفتمان مقاومت و پسا توسعه

- نگاه سلبی گفتمان پس توسعه به پدیده‌ها با توجه به رویکرد پست مدرن فقدان نگاه ایجابی به پدیده‌ها



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۹۲

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

-هزینه منفعت اقتصادی مدرن و فقدان نگاه ایجابی به پدیده ها.

-هزینه منفعت اقتصادی و فقدان نگاه عدالت خواهانه در گفتمان پا توسعه و بذل توجه حداکثری گفتمان مقاومت به عناصر هنجاری و عدالت منشانه تفاوت معنادار در رویکردهای معرفت شناسانه و هستی شناسانه دو رویکرد (گفتمان پسا توسعه، همچنان از چاشنی گفتمانهای کلاسیک و مدرن باردار می گردد)

--نگاه سلبی گفتمان پس توسعه به پدیده ها با توجه به رویکرد پست

۵-مقاومت:

ماهیت و معنای مقاومت در نقطه کانونی مدل مفهومی در اندیشه مقام معظم رهبری فقط به یک بعد محدود نمی شود بلکه مقاومت در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی مد نظر است. از منظر ایشان، مقاومت مفهومی بر گرفته از متن آیات الهی است که امام خمینی (ره) بدان معنا بخشید (بیانات در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

با تاکیدیه که بر تفاوت هستی شناسی و معرفت شناسی نگاه راهبردی توسعه در اندیشه رهبر انقلاب وجود دارد باید عنوان نمود، آنچه در بحث مقاومت اهمیت دارد اینکه مقاومت در اهداف و ارزش ها جایز بوده و در روش ها مقاومت لازم نیست، نکته مهم تر اینکه نباید در شناخت اهداف و روش ها دچار اشتباه شد (بیانات در دیدار اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۳۱).

از منظر دیگر و در راستای اهمیت و البته تفاوت معرفت شناسی نگاه راهبردی توسعه ای رهبر انقلاب و تبیین مفهوم مقاومت، باید خاطر نشان ساخت که در اندیشه ایشان هر گونه اصالت بخشی به فلسفه پراگماتیستی به سبک دموکراسی غربی، موجب بی ثباتی شده و در حقیقت عمل گرائی افراطی در مقابل استقامت قرار می گیرد (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

مهدی پور در مقاله ای مؤلفه های مانند، نفی سلطه، چند بعدی بودن مقاومت عقلانیت و ابتکار، ایمان به نصرت الهی، جهاد کبیر، مقاومت مردم محور، حاکمیت دین در جامعه، ثبات در هدف و ارزش ها در مقابل عمل گرائی افراطی، مهم ترین مؤلفه های مقاومت را از نظر مقام معظم رهبری، می داند. (مهدی پور، ۱۳۹۹، ۱)



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستک العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

۲۹۳

راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و ...

از سوئی باید عنوان نمود گفتمان مقاومت واجد عناصر و ابعاد سلبی و ایجابی است. در بعد سلبی یکی از مهمترین محورها، سلطه ستیزی و مقاومت در برابر نظام سلطه است، به طوریکه انقلاب اسلامی در واقع به مثابه نفی نظام‌های ایدئولوژیک و سیاسی سوسیالیستی و لیبرالیستس بود. در واقع «نه» بزرگ به هردی این گفتمان‌ها بود. در بعد ایجابی نیز باید عنوان نمود که ابعاد مختلفی مانند عدالت طلبی، حق خواهی، عزت طلبی، استقلال طلبی، و اسلام گرایی در متن و مبنای گفتمان مقاومت جایگاهی محوری دارند (مطلبی و دیگران، ۱۳۵، ۱۳۹۶-۶).

به طور کلی مقاومت در برابر نظام سلطه صورت می‌پذیرد که این نظام سلطه در ساختار نظام بیم الملل در پی تفوق هزمونی در عرصه‌ای مختلف است. در نظریه ساختاری نظام سلطه، سلطه به جز ابزار نظامی، از طریق فرهنگ، اقتصاد و علم نیز اعمال می‌گردد (حسن نیا مقدم و دیگران، ۱۳۹۹، ۷۶). در اینجا است که مقام معظم رهبری تاکید دارند □ عمده موضوع هائی که قدرت‌های سلطه گر در نظام سلطه جهانی برای حفظ رابطه سلطه گر و سلطه پذیر تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه فرهنگی، اقتصادی و علمی (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۴/۱).

هدف از رابطه سلطه آمیز، ارتقای امنیت کشور سلطه گر و بقای حاکمان سلطه پذیر است. در این میان، کالائی که به نام امنیت وجود دارد که هر دو طرف می‌خواهند به آن دست پیدا کنند. امنیت صرفاً نظامی نیست بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. دولت‌ها می‌خواهند به حکومت خود ادامه دهند و در مقابل ف کشورهای سلطه گر، برای تضمین حکامیت مطلوب و برای دستیابی به امنیت خود بر جهان، به این کشورها نیاز دارند (عباسی، ۱۳۹۷، ۱۶). بنابراین و با این نگاه امنیت ارتباط مستقیمی با توسعه دارد و توسعه کشورها با امنیت و مقاومت در برابر نگاه فرادست و هزمو نیک دول غربی، انجام می‌گردد. (Blaikie, 2000, 1040)

در اینجا است که حتی به طور مثال اندیشمندان پست مدرن نیز سلطه و هزمو نی علم و سرمایه در نظام‌های غربی را به چالش می‌کشیدند به طور مثال آدورنو همواره می‌پرسید: چگونه می‌توان در برابر سلطه پنهان، مقاوت نمود (وب سایت ترجمان، ترجمه علی کوچکی، ۱۳۹۸).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۲۹۴

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

۶- مقاومت سیاسی:

گفتمان مقاومت سیاسی همواره و در فراخنای تاریخ در برابر ظلم وجود داشته است. نظریه میکرو فیزیک قدرت فوکو در این راستا بر این اعتقاد است که هر جا سرکوب است، مقاومت نیز هست (ساراپ، ۱۳۸۲، ۸۵). انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدای انقلاب و از طریق بسیج توده‌ها، ضمن مشارکت آحاد توده‌ها در صدد مشارکت سیاسی گسترده مردم در فرآیندهای سیاسی بوده است.

با این اوصاف مقاومت سیاسی گرچه ذاتاًض یک نگاه اجابی یعنی مشارکت آحاد جامعه دارد اولین گام برای بقاء سیاسی ف جامعه پذیری سیاسی است، ولی در نگاه سلبی می‌توان عنوان کرد از همان ابتدای انقلاب، نظام سلطه شیوه‌های را برای مبارزه با جامعه اسلامی، انتخاب نمود. از سوئی گرچه از روز پیروزی انقلاب، جریان غیر در صدد انشقاق در صفوف انقلاب، جریان سازی و نفوذبرآمد. ولی گفتمان نفوذ از ابتدای دهه ۹۰ به شکلی گفتمانی در بیانات رهبر انقلاب به عنوان یک دال تأثیر گذار، مد نظر قرار گرفت (بیانات رهبر در اجلاس بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶).

۷- تبار شناسی فرآیند مقاومت سیاسی (دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸، ۵۴)

ابعاد نفوذ سیاسی	شیوه نفوذ سیاسی	انگیزه نفوذ سیاسی
-جنگ سیاسی -توطئه دشمن -تطمیع، تهدید و فریب (بیانات رهبر در دیدار جمعی از خانواده‌های ایثارگران کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۲)	-مذاکره -نفوذ شخصی -نفوذ در دستگاههای سیاسی و مدیریتی -سست نمودن ایمان دینی و فکری نسل جوان (بیانات رهبر در دیدار جمعی فرماندهان گردنهای بسیج ۱۳۹۴/۹/۴)	-تغییر باور به اسلام سیاسی -از بین بردن اعتقادات دینی و سیاسی -تبئیت از خواست و اراده مستکبران -ایجاد وابستگی -اعاده سلطه غرب و تثبیت مدل‌های توسعه غربی -کسب قدرت سیاسی و نفوذ سیاسی (بیانات رهبر در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

رهبر انقلاب متأثر از تاریخ اسلام و شیوه‌های مبارزه با جریانات انحرافی، راه مقابله با جریان نفوذ را آگاهی و هوشیاری، کشف نفوذ سیاسی و امنیتی و هم افزائی دستگاه‌های



اطلاعاتی مسئول برای مقابله با دشمن می‌داند (بیانات رهبر در دیدار با مسئولان ۱۶/۴/۱۳۹۳)

۸- مقاومت فرهنگی:

سیاستگذاری فرهنگی شامل همه اقداماتی است که از سوی دولت، نهادهای خصوصی و اتحادیه‌های اجتماعی برای سمت دهی توسعه نمادین، برآوردن نیازهای فرهنگی در مردم و دستیابی به توافقی درباره شکلی از نظم یا دگرگونی اجتماعی انجام می‌شود. (کانکلینی، ۱۳۷۹، ۲۴۹).

در نگاه دیگر، سیاستگذاری فرهنگی شامل اصول مكتوب و غیر مكتوبی است که از سوی برنامه ریزان برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلف فرهنگی تدوین می‌شود و توسط مدیران به اجراء در می‌آید. (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷، ۱۷۹). محققان بحث سیاستگذاری فرهنگی معتقدند که تغییرات وارده بر موضوع سیاستگذاری فرهنگی در نیمه قرن بیستم عبارتند از:

الف) گذار از مبنائی کاملاً تک فرهنگی به منظور آماده سازی و اشاعه فرهنگ از جانب دولت به یک وضعیت متنوع‌تر و فراگیرتر. این تغییر در مطالعات فرهنگی معاصر به عنوان فروپاشی موقعیت مسلط هنجارهای فرهنگ والای طبقات بالا و متوسط جامعه به نفع پا گرفتن فرهنگ برخاسته از مبادلات مردم عادی تفسیر می‌شود. همچنین این تغییر شامل تاکید بر دسترسی و مشارکت فرهنگی به جای پیگیری «کیفیت» در هنرهای والا، ترویج گرایش تنوع فرهنگی و افزایش به رسمیت شناختن ارزش‌های فرهنگی محلی و منطقه‌ای باشد. (تراسبی، ۱۹۹۲، ۱۸۱).

ب) انتقال از تسلط بخش عمومی به بخش خصوصی. هر چند ظرفیت هدایت و مدیریت تغییر فرهنگی را از طریق سیاستگذاری فرهنگی در اختیار داشته است، ولی قدرت آن برای انجام این کار به گونه‌ای اجتنای نا پذیر در طول این دوره به علت کاهش در بودجه‌های دولتی، قطع دخالت دولت در برخی از حوزه‌ها و افزایش شناخت جهان سهیم در فرصت‌های تجاری بخش فرهنگی ضعیف شده است. (همان، ۱۸۱).

ج) توجه به امر مقاومت فرهنگی و لزوم تمایز نسبت به فرهنگ غالب جهانی و با دیگر فرهنگ‌ها در سیاستگذاری فرهنگی کشورها وارد شده است. تاکید کشورها بر میراث ملی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۹۶

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
جهان‌دراسات العالم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۲۹۷

راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و ...

و حمایت از زبان در همین راستا صورت می‌گیرد. (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷، ۱۸۱)

مقاومت فرهنگی نیز سایر حوزه‌های مقاومت، نیاز به سوژه و کارگزاران دارد که بتوانند از عهده تداوم آن برآیند و تجدید نظر در ساختاریهای فرهنگی را پدید آورند. با توجه به این موضوع که بحث مقاومت تنها محدود به مرزهای جغرافیایی ایران نبوده و محوری از جنبش‌ها و کشورهای دوست را در بر می‌گیرد.

حسن نیا، در مقاله‌ای تأثیر گذار مرحله‌ای از مقاومت را با نام تمدن سازی، یاد کرده‌اند. تمدن سازی، نیازمند تولید اندیشه در قالب یک فرهنگ است. در این راستا محور مقاومت به عنوان یک ستختار به عنوان یک فرهنگ راهبردی دفاعی - امنیتی می‌تواند به عنوان یک سازه فکری - تمدنی به شماررود.

بر این مبنا تمدن سازی فرایندی بلند مدت با دو مؤلفه اصلی ذیل می‌باشد: (حسن نیا مقدم و دیگران، ۱۳۹۹، ۸۸)

- ایجاد یک سازه فکری، پشتیبانی قدرت از آن، ساختار یابی در یک شکل واحد (مثل محور مقاومت)، پذیراندن آن به قدرت دیگر یعنی ساختارهای منطقه‌ای و ساختار بین المللی است - ارتقای سازه فکری و تداوم فرهنگ برآمده از آن و در نهایت گسترش آن در شکل ساختاری جدید در عرصه منطقه‌ای و جهانی با استفاده از قدرت است پیرو این موضوع با توجه به داعیه دار بودن ایجاد تمدن اسلامی توسط انقلاب اسلامی ایران، این موضوع می‌توان عملیاتی گردد.

رهبر انقلاب در این راستا، معروض می‌دارد، «تمدن اسلامی، کشور گشائی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتی فکری ملت‌ها از اسلام است. گام نهائی در مراحل پنج گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق (تمدن اسلامی) است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۶). به این معنا که جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت برآمده از گفتمان آن باید به یک الگوی جهانی تبدیل شود.

اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. بنابراین اگر اقتصاد مقاومتی را به مثابه یک رژیم اقتصادی ببینیم، فرهنگ و سیاست نیز حامل و عامل این گفتمان بوده و سه ضلعی اقتدار ملی را تشکیل می‌دهند.

در اینجا باید بین سه حوزه تفکیک قائل شویم، این سه حوزه سیاست و نظام حکومتی، اقتصاد و فرهنگ هستند. چنانکه نمی‌توان درباره اقتصاد مقاومتی صحبت کرد و از اقتضائات سیاسی غافل شد و یا از سیاست و اقتصاد صحبت کرد و از فرهنگ که زیرساخت این دو محسوب می‌شود غفلت کرد. هدف از اقتصاد مقاومتی چیزی نیست جز آنکه این اقتصاد، مقوم نظام سیاسی باشد، چنانکه نظام اقتصاد مقاومتی که هماهنگی خود را با نظام حکومتی اسلامی از دست بدهد نمی‌تواند مراد ما باشد.

اقتصاد مقاومتی که ملهم از نظام فرهنگی اسلامی و مبتنی بر فرهنگ دینی نباشد هدف اصلی نیست. همچنین نقطه شروع اقتصاد مقاومتی مصرف می‌باشد، مصرف است که تولید را جهت می‌دهد و این هر دو در کنار هم جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. بی‌دلیل نیست که مقام معظم رهبری پیش از نامگذاری سالی به نام تولید، سالی را به نام اصلاح الگوی مصرف نامگذاری کرده‌اند و در اصلاح الگوی مصرف مهمترین کار پاکسازی فرهنگی و اصلاح فرهنگ اقتصادی است.

شروع کار با فرمول اقتصادی نیست بلکه شروع کار از فرهنگ آموزشی، اقتصادی است و تا این مساله اصلاح نشود هیچ گامی در جهت بهبود شرایط و شاخص‌ها مؤثر نخواهد بود. (عبداله پور، ۱۳۹۳: ۶) از سوئی، فرهنگ هویت اصالت و روح جامعه است که به گونه‌های مختلف تقسیم پذیر است، در این میان فرهنگ سیاسی (Political culture) جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش آن در افکار، احساسات، گرایش‌ها، علایق و رفتار ملتها بسیار برجسته است. تأثیر بنیادین فرهنگ بر جامعه انکارناپذیر است بسیاری از موفقیت‌ها و یا شکست‌ها در فرهنگ ریشه دارد، تعالی و انحطاط تمدن یک جامعه را باید در فرهنگ آن جستجو کرد. ظهور و سقوط دولتها و ملتها ریشه در فرهنگ آنها دارد، تأثیر فرهنگ بر جامعه نامحسوس، عمیق و دراز مدت است اگر بنا باشد برای بنیادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی اولویت بندی کنیم «فرهنگ» اولویت اول را دارد.

از هر طرف که حرکت می‌کنیم می‌بینیم که به فرهنگ می‌رسیم و راهها واقعاً به فرهنگ ختم می‌شود و ایشان در بیان ارزشمند دیگری نقش و اهمیت فرهنگ را چنین یادآور می‌شوند:

فرهنگ مایه اصلی هویت ملت‌هاست، فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۹۸

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند و از سوئی دیگر راز سقوط تمدن‌ها و زوال آنها را نیز در ضعف فرهنگ معرفی می‌نماید و همچنین درباره نقش فرهنگ در مواجهه با دشمن اعلام می‌دارند که اگر ما در زمینه مسائل فرهنگی خودمان را کاملاً اسلامی و انقلابی کنیم در برخورد نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با دشمن، شکست نخورده و نخواهیم خورد.

در اهمیت جایگاه و نقش فرهنگ به همین اندازه بسنده کنیم که از نظر ایشان استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود و اینکه: فرهنگ در حقیقت همه چیز یک جامعه است، هیچ بنیاد اجتماعی و اقتصادی بدون اتکا به یک فرهنگ شکل نمی‌گیرد. (مقام معظم رهبری، دیدار با دانشجویان ۹۴/۷/۲۵)

باید جامعه ما به این معضل عظیم به بهترین وجه ممکن فائق آید، اگر احاد جامعه بتوانند دانش مختصر و مفید و حکیمانه‌ای در مورد هویت فرهنگی اسلامی خود که توان و غنای لازم را دارد و به تعبیر امام (ره) شرط استقلال پیدا کنند و نیز در مورد هویت فرهنگ‌های دیگر آگاه‌تر شوند و در سفینه تزکیه کرانه‌های کمال را در بحر حیات می‌جویند، فرهنگ اسلامی ما در جهت مداوم و مقتدر در جامعه و نیز در دفاع فرهنگی در برابر خطرات بیمه خواهد شد. ((قرارگاه‌های فرهنگی، ۱۳۹۳، ۱۲)

برای اینکه ما مقاومت فرهنگی صحیح و درستی داشته باشیم باید ابتدا شدت و ضعف فرهنگ منحط غرب و مواضع مورد هدف دشمن را شناسایی کنیم، فرهنگ غربی و تهاجم فرهنگی از نظر کیفی و کمی در نگاهی کلی به تغییر در سه سطح: ۱- فشار ۲- افکار ۳- اعتقادات، منتهی می‌شود و از آنجایی که دین اسلام دینی جهان شمول می‌باشد و فرهنگ با ارزش خود را از دین گرفته، برای صدور و توسعه ارزش‌ها باید با جهان خارج ارتباط فرهنگی داشته باشیم.

اما ارتباطی که از موضع قدرت باشد نه از موضع ضعف و در تبیین مبانی مقاومت فرهنگی باید به موارد زیر توجه کنیم: ۱- مراکز فرهنگی ۲- وسایل ارتباط جمعی ۳- منبع ۴- خودباوری (اولین رمز استقلال و مقابله) ۵- هنر (یکی از بانفوذترین ابزارها) بنابراین دفاع و مقاومت در فرهنگ اسلامی از منزلت والایی برخوردارند که حفظ و تداوم شرافت و عزت نظام در برابر تهاجمات دشمن به کمین نشسته را برعهده گرفته‌اند، این دو واژه، واژه‌های

نجات، استقلال، نموده‌های کرامت، شوکت، معرفت‌های آزادی و حیانتند، چرا که اسلام، کینه ورزی کفر را بی‌هیچ فطرتی پیوسته در مقابل داشته و دارد و درد زخمهای تهاجم ناجوانمردانه این دشمن بی رحم را در طول تاریخ حیات ایمان و در فراز و نشیبهای دوام خود به عینه وجدان کرده و با شیرینی استقامت و صبر زیسته است و التیام این زخم‌ها و جبران آن‌ها را این دو امر مقدس بدوش می‌کشند.

۹-تبارشناسی فرآیند مقاومت فرهنگی:

ابعاد	شیوه	انگیزه	راههای مقابله
-نفوذ فکری در جوانان	-سند ۲۰۳۰	-ایجاد وابستگی فرهنگی	-شناخت نقشه فرهنگی دشمن
-شایعه پراکنی	-فضای مجازی	-زیر سؤال بردن فرهنگ	
-جنگ نرم	-ارتباط با دانشگاههای کشور	شهادت	-جهاد فرهنگی
-جنگ فرهنگی		-نفوذ در ذهن مردم	(دیدار رهبر با مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۴/۱۶)
(بیانات رهبری در دیدار دانشگاهیان، ۱۳۸۶/۸/۱۸)	-رخنه در باورهای دینی و اعتقادات مذهبی	(بیانات رهبر در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶)	
	(دیدار رهبر با بسیجیان، ۱۳۸۸/۹/۴)		



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام

۳۰۰

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

۱۰-مقاومت اقتصادی:

راهبرد اقتصادی مطمع نظر مقام معظم رهبری، گونه خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که می‌توان این نظام اقتصادی را مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف دانست که متأثر از کتاب، سنت و عقل است. (میر معزی، ۱۳۹۰، ۴۷).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید اقتصادی نظام برانداز دشمن با تغییر در اولویت هدف‌های نظام اقتصادی و متغیرهای متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی در این نظام پدید می‌آید. (بیانات رهبر انقلاب، دیدار با پژوهشگران، ۹۱/۵/۸)

شاید بتوان مفهوم «تاب آوری اقتصادی» (Economic Resilience) که توسط «بریگا گلیو» را مطرح شده را یکی از نزدیکترین الگوها به اقتصاد مقاومتی دانست. این اندیشمند مفهوم مذکور را در دو جایگاه به کار می‌برد:



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی

-توانائی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب کننده خارجی
-توانائی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها (Briguglio, 2009).
در راستای تعریف فوق می‌توان دو شاخصه اصلی ذیل را برای اقتصاد مقاوتی بر شمرد:
-در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند
-تهدید را تبدیل به فرصت و در وضعیت تهدید، رشد می‌کند (میر معزی، ۱۳۹۱، ۱۱۴).
مقام معظم رهبری در تبیین و تفسیر اقتصاد مقاوتی، این گفتمان را مدلی می‌داند که همراه با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن است. معنای آن حصار کشیدن دور خود و فقط انجام کارهای تدافعی نیست، بلکه اقتصادی است که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد حتی در شرایط تحریم و فشار هم رشد کند و شکوفائی داشته باشد. هم روند رو به رشد اقتصادی محفوظ می‌ماند و هم آسیب پذیری آن کاهش می‌یابد (دفتر حفظ و نشر آثار، بیانات رهبر در دیدار با جمعی پژوهشگران، ۹۲/۲/۷)
نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر مبنای هستی شناسانه و معرفت شناسانه ویژه‌ای است. این مبانی ثابت و غیر قابل تغییر در وضعیتهای گوناگون هستند (میر معزی، ۱۴۹). از منظر غایت شناسی نیز باید عنوان نمود، هدف غائی این نام، فراهم آوردن زمینه‌های اقتصادی سعادت فرد و جامعه انسانی و هدف‌های مبنائی آن عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارور ساختن استعدادهای طبیعی است (همان، ۱۴۹).
این نظام و راهبرد دارای اصول مذهبی یا راهبردی ویژه مانند حاکمیت مصالح فرد و جامعه، آزادی همراه با مسئولیت مردم در برابر مردم، تحریم ربا و اصول توزیع درآمد و ثروت است که چارچوب حرکت سمت هدفهای نظام اقتصادی اسلام را تعیین می‌نماید.
ویژگیهای اقتصاد مقاوتی: از تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، می‌توان چهار ویژگی اصلی را برای اقتصاد مقاوتی بیان نمود (بیانات رهبر انقلاب ۱۳۹۳/۱/۱ و ۱۳۹۳/۲/۱۰).
مردم بنیاد است: دانش بنیان و پویا است، عدالت محور بودن، و درونزا و برون گرا. به این ترتیب می‌توان یکی از اصول اصلی مدیریت صالح بر تمامی ساختارها و رژیم‌های حقوقی، اقتصادی را با عنوان حکمرانی مطلوب با توجه به دو اصل عدالت و مردمی بودن اقتصاد، از این ویژگیها استخراج نمود.

۱۱-تبارشناسی فرایند مقاومت اقتصادی:

ابعاد	شیوه	انگیزه	راههای مقابله
ایجاد نابسامانی مالی و اقتصادی	- از طریق مذاکرات مانند برجام	-تثبیت مدل‌های نوسازی غربی	-شناخت نفوذ اقتصادی -داشتن روحیه جهادی
-سناریوسازی اقتصادی	-تصمیمات ضعیف در حوزه اقتصادی	-تعمیق نهادهای نئولیبرال مانند صندوق بین المللی	-هم افزائی نهادهای اقتصادی
-حصص و تحریم اقتصادی (بیانات رهبر، در دیدار ائمه جمعه، ۶۸/۸/۳)	استمرار در نفوذ اقتصادی (بیانات رهبر، ۱۳۹۳/۵/۱۵)	پول و سیاستهای بانک جهانی (بیانات رهبر، اجلاسیه سران کشورهای اسلامی، ۱۳۹۰/۴/۲۶)	(بیانات رهبر، دیدار با رئیس جمهور و هیات دولت، ۱۳۹۷/۶/۷)

۱۲-نهادینه سازی سه گانه مقاومت در نظر و عمل:

گفتمان مقاومت قطعاً محدود به الفاظ نیست و نیاز به ساختارها و کارگزاران دارد در میدان بازی گفتمانی مقاومت، کنشگران فعالی بوده و باعث جهش در سطوح مقاومت شوند.

تعمیق و نهادینه سازی سه گانه مقاومت، اجرای عملیاتی است که مولود شناور سازی گفتمان مقاومت در سطوح مذکور می باشد. در ابعاد اجرائی و عملیاتی، شایان ذکر است که نهادسازی و ایجاد، بسط و اشاعه ساختارهای حقوقی و مکمل دراضلاع سه گانه مقاومت در سطوح مختلف دستگاههای اجرائی دردهه نود، توانسته موجب قرائتی خوداتکاء را بوجود آورد که قوامبخش، تسهیلگر و مقوم راهبردهای رهبر انقلاب هستند.

نهادهای مذکور که علاوه بر دستگاههای اجرائی، شامل اقدامات بخش خصوصی، سمن ها و گروههای جهادی نیز می گردد، موظف و مکلف به گزارش سالیانه فعالیت خود در زمینه راهبردهای مقاومت و معطوف به دستگاه خود هستند. بنابراین نهادهای جدیدی که مولود راهبردهای مقاومت هستند، ابزارهای جدیدی جهت عملیاتی نمودن گفتمان مقاومت هستند. داگلاس نورث در تعریف سازمانهای اقتصادی می نویسد که اگر نهادها قواعد بازی باشند، سازمانها و کارآفرینهای آن بازیگران بازی هستند (north,1998:78-85). از سوئی نهادها و سازمانها از دسته ها و گروههای انسانی تشکیل شده اند که بوسیله یک هدف مشترک گرد هم آمده اند تا اهداف معینی را عملیاتی و به منصه ظهور (Pryor,2005,17).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام

۳۰۲

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

از سوئی باید عنوان نمود که اقتصاد مقاومتی به مثابه دو روی یک سکه حالت آفند و پدافند دارد که در سیاست‌گذاری‌های کلان و نیازمند نهادهای بالادستی می‌باشد. در این راستا و در ابتدا باید ترجیحات اقتصاد مقاومتی را مشخص نمود که این اولویت‌ها، سیاست‌گذاری در سطح کلان و توسط نهادهای دولتی فرادست می‌باشد.

اما نقش نهادهای ذیربط در رابطه با گفتمان مقاومت و مشخصاً اقتصاد مقاومتی و خلق نوآوری حائز اهمیت است. نوآوری در قلب تغییرات تکنولوژیک و توسعه سیاسی، اقتصادی جوامع مدرن قرار دارد، در این راستا، سیاست نوآوری به عنوان ابزار سیاست توسعه در خدمت دولتها قرار می‌گیرد که خروجی این سیاستها، تحرک طبقاتی اجتماعی است که بدنبال تغییر مدل‌های تکنولوژیک بوجود می‌آید. بنابراین اقتصاد مقاومتی منتج به نوآوری تکنولوژیک نه تنها ابعاد سخت افزاری و اقتصادی دارد بلکه خصلتهای نرم افزاری، سیاسی و فرهنگی نیز دارد.

نوآوری را می‌توان تبدیل یک ایده به محصول که قابل فروش باشد، ترجمه نمود. این نظام در برگیرنده مجموعه‌ای از نهادهاست که در توسعه و انتشار مهارت‌های پیشرفته و تکنولوژی‌های نو مشارکت می‌کنند. و نه تنها به چگونگی عملکرد نهادهای ذیربط به شکل منفرد می‌پردازد بلکه به چگونگی تعامل آنها با یکدیگر به عنوان اجزای یک سیستم کلی برای خلق و بهره برداری از دانش می‌پردازد.

مؤلفه‌های سازنده گفتمان مقاومت اقتصادی و نوآوری عبارتند از بنگاهها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های سرمایه گذاری مخاطره پذیر، سازمان‌های دولتی مسئول سیاستهای رقابتی، و ... می‌باشند. رویکرد این نظام را می‌توان به عنوان چارچوب مناسبی برای همکاری بخشهای مختلف درگیر در سیاستگذاری مقاومت و اضلاع آن در نظر گرفت. سیاستگذاری مقاومت این امکان را فراهم می‌آورد که تمام عوامل درگیر به صورت یک کل نگریسته شود. از این روی سیاستگذاری نیز یکپارچه خواهد بود. بنابراین می‌توان عنوان نمود خطی سیری از خلق گفتمان، شناور سازی گفتمان، ایجاد نهادهای ذیربط و ابزارهای عملیاتی، برای اجرای موفق گفتمان مقاومت، نیاز دارد.

۱۳- نتیجه گیری:

خلق و ایجاد گفتمانها از بدو انقلاب اسلامی، همواره مؤلفه‌ای مهم در مواجهه با چالشهای ایجاد شده برای انقلاب اسلامی بوده است. این گفتمانها که ریشه در مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی دارد با نگرش واقع‌گرایانه امامین انقلاب توانسته با خلق الگوهای مناسب، راهگشا و هادی مناسبی در برابر حجمه‌های داخلی و نظام سلطه باشد. با اتمام جنگ و تعمیق حاکمیت اسلامی در کشور و کارشکنی‌های نظامهای غربی در فروکاست و تحلیل نظام اسلامی، رهبر انقلاب اسلامی با گفتمان سازی در حوزه‌های مختلف، علاوه بر نهادسازی باعث حساسیت حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در ذیل گفتمان مقاومت گردیدند.

بنابراین راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسیو اقتصادی در اندیشه و عمل آیت الله خامنه‌ای علاوه بر تاسی و نصب العین قراردادن، سازه‌های ایمانی و اسلامی، با حرکتی واقع‌گرایانه، راهبرد تحلیل مشخص از اوضاع مشخص را برای برون رفت از نقصان‌ها در دستور کار نهادی کلیت نظام قرار دادند.

در این بین و در نامگذاری سالیان اخیر اهمیت این گفتمان و عوامل اقتصادی و نقش تولید البته با بن مایه‌های تقویت فرهنگی این مؤلفه‌ها نمایان می‌گردد. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک پارادایم غالب در این سالها مورد توجه قرار گرفته که هم به عنوان یک متغیر مستقل می‌تواند تحلیل شود و هم به عنوان متغیر وابسته‌ای که از قلمرو سیاست و فرهنگ می‌تواند، بهره مند گردد.

این راهبرد، یک رژیم و نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند روبه رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهاتی حفظ نماید. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. بنابراین اگر اقتصاد مقاومتی را به مثابه یک رژیم اقتصادی ببینیم، فرهنگ و سیاست نیز حاملو عامل این گفتمان بوده و سه ضلعی اقتدار ملی را تشکیل می‌دهند.

همانطور که عنوان گردید باید بین سه حوزه اصلی مقاومت جهت تنقیح و پرهیز از کشیدگی مفهومی، تفکیک قائل شویم، این سه حوزه سیاست و نظام حکومتی، اقتصاد و



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس عالم الاسلامی

۳۰۴

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

فرهنگ هستند. چنانکه نمی‌توان درباره‌ی مقهورات اقتصاد مقاومتی صحبت کرد و از ملزومات سیاسی غافل شد و یا از سیاست و اقتصاد صحبت کرد ولی از فرهنگ که مقوم و سازه این دو محسوب می‌شود غفلت کرد. هدف از اقتصاد مقاومتی چیزی نیست جز آنکه این اقتصاد قوام بخش نظام سیاسی باشد، چنانکه نظام اقتصاد مقاومتی که هماهنگی خود را با نظام حکومتی اسلامی از دست بدهد نمی‌تواند مراد ما باشد.

از سوئی بذل توجه به این دقیقه مهم حائز اهمیت است که برخلاف نگاه بعضی از عزیزان دانشگاهی که دائماً هر گونه استقلال و نحله‌گفتمانی مقاومت را با اندیشه‌های غربی مانند ساختارگرایی، واقع‌گرایی ف‌نئو واقع‌گرایی و ... تفسیر و تبیین می‌نمایند، باید گفت که گفتمان مقاومت واجد یک گزاره اسلامی و متأثر از عدالت، قسط و جهان بینی اسلامی و البته روزآمد است و نمی‌توان هیچ نسبیتی را برای آن با نظریه‌های غربی، متصور بود.

در پایان باید عنوان نمود، اندیشه رهبر معظم انقلاب، موجد الگوئی است که فقر این الگو، صدها است که عامل بازدارنده، خیز گفتمانی جغرافیای جهان اسلام در برابر غرب بوده است. گفتمان رهبر انقلاب با توجه به عناصری از رهیافت‌های پسا توسعه‌ای، خوانش و بازتعریفی مهم در رویکردهای کلاسیک، فرادست و هزمون غربی است که بیش از یک صده است بر محافل عمومی و دانشگاهی، سایه افکنده و نیاز به بسط و توسعه بیشتر توسط جوامع دانشگاهی دارد، بسطی که البته توأم با تشکیل نهادهای اجرایی در راستای ایجاد و استقرار نظریه‌های موجود گفتمان مقاومت است.

منابع:

- جرفی، عبدالمیر، موسوی امجد، سید حسن (۱۳۹۹) جایگاه اقتصاد مقاومتی در حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۵۱.
- حسن نیامقدم، سید عباس و دیگران (۱۳۹۹)، بررسی مؤلفه های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهشهای سیاسی و بین المللی، شماره ۴۵، زمستان.
- رضاپور دانیال، هدایتی شهیدانی، مهدی، گلستانی، علی، اسکندری نسب، علی (۱۳۹۸)، معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه ای (مدظله تعالی)، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، زمستان، شماره ۴۱.
- ساراپ، مادن (۱۳۸۲)، راهنمایی مقدماتی بر پساساختارگرایی و پسامدرنیسم، ترجمه محمدرض تاجیک، نشر نی.
- عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۵)، روزنامه اطلاعات، واژگان مجعول ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، ۱۴ اردیبهشت.
- عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۵)، واژگان مجعول ژئوپلیتیکی برای خاورمیانه، روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۴ اردیبهشت.
- مهدوی پور، آسیه (۱۳۹۹)، بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه ای (مدظله)، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، پاییز و زمستان، شماره ۱۷.
- مطلبی، مسعود. کاظمی اردشیر. امجدی حوریه (۱۳۹۶)، گفتمان مقاومت در سپهر سیاسی و اندیشه ای مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال سوم، شماره یازدهم، بهار.
- عباسی، مجید (۱۳۹۷)؛ نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین الملل در گفتمان مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان.
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار و اعضای مجلس خبرگان رهبری.
- مطهری، مصطفی (۱۳۹۵)، نسبت توسعه ایدئولوژی در دو دوره پهلوی دوم و ج.ا.ا. دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزادتهران مرکز
- میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تاکید بر مقام معظ رهبری، اقتصاد اسلامی، پائیز.
- عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۳)، اقتصاد مهارتی، الگوئی اجرایی در سیاستگذاری اقتصادی، بهار نیوز، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷-

English:

- summer.A and Tribe.M(2004), The nature of epistemology and methodology in development studies.church house,London.
- Ibister, john(2006), promise not kept. Poverty and the betrayal of third world development.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام

۳۰۶

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



۳۰۷

راہبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و ...

Seventh edition.bloomfield,CT: Kumarianoress,INC.

- Briguglio.L(2009), Economic vulnerability and resilience: concepts and measurement. Oxford development studies. Volume37,2009.issue 3.
- Blaikie.PIERS(2000), Development, post and counter, popularity. A criticism REVIEIW,University of anglia, noritch,England,2 April 1999,volume 32.
- seyfang,Gill and Adrian smith. (2007).Grassroots innovation for sustainable development:towards a new research and policy agenda,Environmental politics.vol 16 issue 4.p:584.
- Wills,catgerine and Randy stocker.9)2013).Grassroots organization and leadership Education, community Development.vol.4, pp:441-455.
- Leys, Colin(1996),The Rise and Fall of Development Theory, London: James Currey.
- Story, Andy(2000), Post – Development Theory: Romanticism and Pontius Pilate Politics, Development. Volume 43, Number 4, December .
- Kiely, Ray(1999), The Last Refuge of The Noble Savage? A Critical Assessment of, Post Development Theory, The European Journal of Development Research, Volume 11, Issue 1.
- Sylvester, Christine(1999), Development Studies and Postcolonial Studies: Disparate Tales of the Third World, Third World Quarterly, Volume 20, Issue4, 1999.
- Hobart, M. (ed.)(1993), An Anthropological Critique of Development: The Growth of Ignorance, London and New York: Routledge.
- Sadar, Ziauddin, Development and the Locations of Eurocentrism, in: R. Munck and D. O’Hearn (eds), Critical Development Theory: Contributions to a New Paradigm, London and New York: Zed Books, 1999.
- Munk, Ronaldo(1999), Dependency and Imperialism in the New Times: a Latin American Perspective, The European Journal of Development Research, Volume 11, Issue 1.
- Peet, Ricard(12002), Elaine Hartwick, Theories of Development, Guilford, 2nd Edition, 2002.
- Rahnama, Ali(1990),FarhadNomani, The Secular Miracle Religion, Politics and Economic Policy In Iran, London: Zed Books.
- NederveenPieterse(2000), Jan, After Post – Development, Third World Quarterly, Volume21, No2.

Siemiatycki, Elliot(2005), Post – Development at a Crossroads: Towards a Real Development, Undercurrent: Canadian Undergraduate Journal of Development Studies, Volume II, No3.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۱۱

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

فرجی، غلامحسین؛ حاتمی، محمدرضا؛ محمودی، مرتضی (۱۳۹۹)، «راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و عمل آیت الله خامنه‌ای» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۲، تابستان ۹۹، صص ۳۰۸-۲۸۵.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۳۰۸

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹